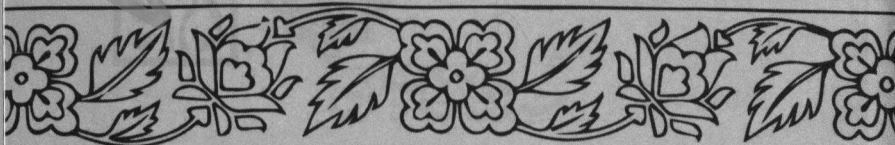


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



سرشناسه: علوی، سیدعلی اصغر، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پدیدآور: احلی من المثل: فرهنگ اصطلاحات، تعابیر و ضرب المثل های هیئت- تشکیلاتی /
سیدعلی اصغر علوی.
مشخصات نشر: قم: کتاب جمکران، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۵۶۰ ص: ۱۶/۵x۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳۶۵۲-۲

وضعیت فهرست نویسی: فلیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۱۰ - ۵۲۱: همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: فرهنگ اصطلاحات، تعابیر و ضرب المثل های هیئت- تشکیلاتی.
موضوع: هیأت های عزاداری و غیره -- ایران -- اصطلاح ها و تعبیرها
موضوع: "Terminology" -- Iran -- Shilte mourning communities, etc.
موضوع: ضرب المثل های فارسی
موضوع: Proverbs, Persian
شناسه افزوده: عزیزی نژاد محمد حسین خوشنویس
شناسه افزوده: مؤسسه حضرت خدیجه (ع.ا.س) (قم)
رده بندی کنگره: BP۲۶۰
رده بندی دیویی: ۳۹۷/۷۴۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۷۲۴۲

عنوان: احلی من المثل
مؤلف: حجت الاسلام سید علی اصغر علوی
طرح جلد: حسین براتی
صفحه آرایی: رایت گرافیک، مهرداد زمانی
ناشر: انتشارات کتاب جمکران
خطاط: محمد حسین عزیزی نژاد
به همت مؤسسه حضرت خدیجه (ع.ا.س)
www.khadije.com
چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۹
چاپخانه: پاسدار اسلام
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان
بازرگانی کتاب جمکران: ۰۹۱۹۲۵۵۲۰۳۰

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است



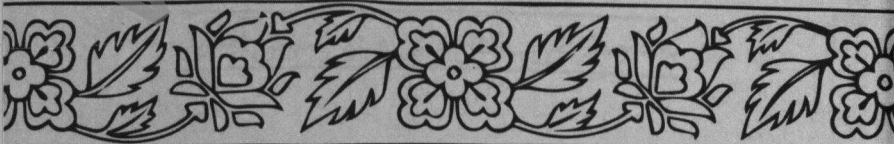


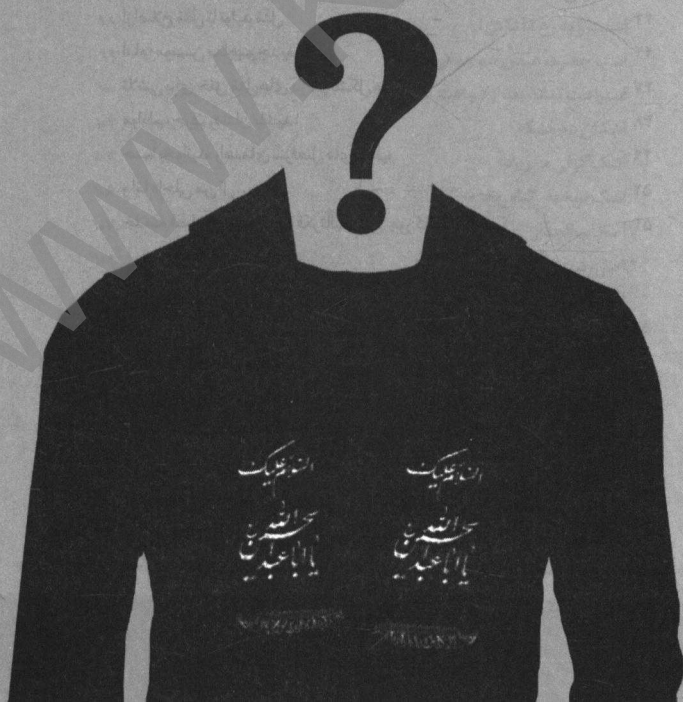
فرهنگ اصطلاحات، تعابیر و ضرب المثل های هیئت - تشکیلاتی

عبدالحامید غلامی

«...وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» ﴿٢١﴾

این ها مثال هایی است که برای مردم می زنیم. شاید دران بیندیشند





- ۲۱ ضرب اول یکی بود، یکی نبود
- ۲۳ به جای مقدمه
- ۲۶ چند لحظه، چند نکته
- ۲۹ ضرب المثل برای چه آمده و چه می کند؟
- ۳۱ اختصاصات و تأثیرات تمدنی ضرب المثل
- ۳۳ فایده ها و ضرورت های گسترش مثل ها
- ۳۵ ضرب المثل ها زندگی ساز می شوند!
- ۳۸ ضرب المثل هایمان امام حسینی باد!
- ۴۰ جایی که ضرب المثل ها به قدمت عاشورایند...
- ۴۱ پیشینه هایی برای خلق ضرب المثل
- ۴۲ مثل های نادرست
- ۴۴ از اصلاح مَثَل تا تولید مَثَل
- ۴۴ امام؛ موسس مفاهیم جدید
- ۴۷ تلاشی برای خلق مَثَل های در تراز تشکله ها
- ۴۸ مواظب حرف زدنانتان باشید!
- ۴۹ حتماً بخوانید: راهنمای سرفصل های کتاب
- ۵۲ و اما «احلی من ال...»
- ۵۴ خلاصه فصل: چه شد که به فکر تألیف این جور کتابی افتادید؟
- ۵۵ ضرب دوم: ضرب الغسل!
- ۵۷
- ۵۹ آب
- ۶۰ آب از سرچشمه گل بودن
- ۶۲ آب به آسیاب دشمن ریختن
- ۶۴ آب به امام نمی دهند و آتش به یزید
- ۶۶ آب خوردن تشکیلاتی
- ۶۹ آب دست است، بگذار زمین بیا
- ۷۲ آب دست یزید افتاده است

۷۳	آب روی آتش
۷۵	آب شدن
۷۶	آبی بنوش و لعنت حق بریزید کن
۷۷	آتش در مجلس افتاد
۷۸	آتش پاره
۸۰	آخر همه سفرا کربلا
۸۲	آدمِ حسین
۸۲	آدم سَر تو دست
۸۴	آرزوی خاک مرقدش دارم
۸۵	آش یزید را می خوری و برای امام حسین علیه السلام سینه می زنی؟
۸۶	آه در بساط داشتن
۸۹	الف
۹۱	أَخْلَى مِنَ النَّسْلِ
۹۲	ادب کردن
۹۳	ارباب ما مدیون کسی نمی ماند
۹۴	اربعمی نشستن
۹۶	از اینکه نام تو بر دم به تو بدهکارم
۹۶	از حسینی که ما شناختیم تا حسینی که هست، یک امام حسین فاصله است
۹۸	اسبت را به رخ ما نکش!
۹۹	اسب حضرت عباس هم جو می خواهد
۱۰۰	استراحت بماند بعد از شهادت
۱۰۲	اشکش دم مشکه
۱۰۳	اشک کوفی می ریزد
۱۰۶	اشک نریخته، گناه ریخته
۱۰۷	اصحاب الجِدَار
۱۰۹	اصل، نیت است
۱۰۹	اگر اذن بدهند
۱۱۰	اگر برای حسین حکومت ندارد، برای تو که شهادت/ بهشت دارد
۱۱۲	اگر دین نداری، آزاده باش
۱۱۳	اگر رو به روی امام حسین علیه السلام هم وایسادی خُر باش!
۱۱۵	اگر من نکنم یکی دیگر می کند...
۱۱۸	التماس دعا
۱۲۰	النَّاسُ عِبَادُ الدُّنْيَا
۱۲۲	الهی حبیب شی

- ۱۲۴ الهی لال نمیری
۱۲۵ اما دل‌ها بسوزه...
۱۲۶ امام حسین علیه السلام، غلام سیاه هم می‌خواهد
۱۲۸ انتظار از که آموختی؟ از نامه‌های کوفیان!
۱۲۹ اوضاع میکائیلیه
۱۳۰ اهل گریه
۱۳۱ این بیت خودش یک مجلس است
۱۳۲ اینجا اسبت هم به درد می‌خورد!
۱۳۳ این جمعیت و این صدا؟
۱۳۵ این ره که تو می‌روی به کربلا نمی‌رسد
۱۳۵ این همه لشکر برای کشتن یک تن
۱۳۷
۱۳۹ با امام حسین علیه السلام بسته!
۱۴۱ با امام حسین علیه السلام یا بی امام حسین علیه السلام؟
۱۴۲ باز نمی‌کنم
۱۴۳ با حسین حسین دهن شیرین میشه
۱۴۴ با یک گل بهار می‌شود
۱۴۵ بینم چه می‌شود؟
۱۴۷ بچه‌های بالا
۱۴۸ برای امام حسین علیه السلام کلاس نگذار!
۱۴۹ برای کشتن کسی نامه دعوت فرستادن
۱۵۰ بروم زود می‌آیم...
۱۵۲ بسم الله!
۱۵۵ بلند صلوات!
۱۵۷ به آب و آتش زدن
۱۵۸ به آخر مجلس رسیدن
۱۵۹ به ته‌دیگش می‌رسی
۱۶۰ بهانه ذکر
۱۶۱ به پدرش رفته
۱۶۲ به صحرای کربلا زدن
۱۶۳ به من چه؟
۱۶۴ بیچاره‌تر
۱۶۴ بی‌گدار به آب زدن
۱۶۵ بیمه خون

۱۶۷	بی وضو وارد شوید! آب هست
۱۷۱	پ
۱۷۳	پارسال دوست امسال آشنا/امسال هیچی/امسال دشمن!
۱۷۴	پامنبری می‌کند
۱۷۵	پایت را بردار نفس بکشیم!
۱۷۵	پایت را برداری ما را می‌بینی!
۱۷۷	پسر طوعه است
۱۷۸	پول سیاه
۱۷۹	پیرغلام
۱۸۰	پیگیرم
۱۸۳	ت
۱۸۵	تا انقلاب مهدی علیه السلام ، یک یا حسین علیه السلام دیگر
۱۸۶	ترت بخوری یک چیزی می‌شوی
۱۸۸	تحت قبه به دعای غلام سیاه هم باران می‌آید!
۱۸۹	تلاطم داشته باش
۱۸۹	تعزیه گردان است
۱۹۰	تو بدی کردی ولی بد نیستی
۱۹۳	ج
۱۹۵	جانم به تو سینه زن!
۱۹۷	جای فرشته‌ها را پر کنید!
۱۹۷	جلسه توجیهی
۱۹۸	جلسه شبانه
۱۹۹	جنگ عزت به از صلح ذلت
۲۰۱	ج
۲۰۳	جای گپ‌پهلوی
۲۰۶	جای روضه‌دم
۲۰۶	چراغی که به مسجد رواست به منزل حرام است
۲۰۸	چشمت به جمال آقا روشن شود!
۲۰۹	چه خاکی به سر کنیم؟ خاک تربت
۲۱۰	چگنیش زدن
۲۱۱	ح
۲۱۳	حالا بیا و بازیب علیه السلام سفر کن
۲۱۴	حالا چه فایده؟

۲۱۶	حسین علیه السلام را تا جایی دوست داری که رگ نَبَرَد
۲۱۸	حق با حسین علیه السلام بود یا یزید؟
۲۲۰	حق به جانب یزید است
۲۲۱	حقش را ادا کن
۲۲۳	خ
۲۲۵	خادم ارباب
۲۲۷	خارج زدن
۲۲۷	خاکم
۲۲۷	خاکم سالار!
۲۲۷	خالی بندی
۲۲۸	خدا از نوکری کمت نکند!
۲۳۰	خدا انسان را آفرید و انسان، توجیه را
۲۳۳	خواباتی، مناجاتی!
۲۳۳	خسته بره، تازه بید
۲۳۵	خمینی شاهد باش ما اعتراض کردیم
۲۳۷	خنجر شمر در خانه اوست
۲۴۰	خواستن توانستن است
۲۴۱	خواهی نشوی رسوا هم رنگ امامت / حقیقت شو
۲۴۳	خوش اشک
۲۴۳	خوش روزی
۲۴۴	خون دل خوردن
۲۴۹	د
۲۵۱	داخل ثواب کردن
۲۵۲	دُرّ به نجف بردن
۲۵۳	درس پس دادن
۲۵۴	دست داد اما دست نداد
۲۵۶	دعوا سر اولویت است
۲۵۸	دعوا سر سربند یا فاطمه بود
۲۵۹	دل خود دار!
۲۶۱	دلم هوای کربلا دارد
۲۶۱	دل ها را برد کربلا
۲۶۲	دم گرفته است
۲۶۳	دنیايش مثل آخرت یزید است
۲۶۴	دنیايي نی

۲۶۵	دیگر حالا شمر جلو دارش نمی شود
۲۶۸	دین آدمسی
۲۶۹	
۲۷۱	راه قدس از کربلا می گذرد
۲۷۱	رجز کوتاه کن
۲۷۲	رجز می خواند
۲۷۳	رنگ عوض کردن به سبک چون
۲۷۵	رو به قبله شدن
۲۷۶	روضه خوان را از هر جا رها کنی می ره کربلا
۲۷۷	روضه رفتن و گریه کردن هم حوصله می خواهد
۲۷۸	روضه گرفتن هم اصولی دارد
۲۷۹	روضه می خواند
۲۸۱	روضه یادت رفته، بله های منبر را که بلدی؟!
۲۸۲	روغن ریخته نذر حضرت عباس علیه السلام
۲۸۳	روی شمر و یزید را هم سفید کرده است
۲۸۵	
۲۸۷	زانوی ادب
۲۸۸	زن جناب زهیر
۲۹۱	
۲۹۳	سادات کجا نشستند؟
۲۹۴	سرسفره پدر و مادر بزرگ شدن
۲۹۶	سلام بردشمن یزید!
۲۹۷	سلام دادن
۲۹۹	سنگ و سفال بر سر آن ها، خاک کربلا بر سر ما
۲۹۹	سیاه لشکر تیم ارباب!
۳۰۳	سینه سُرَخ ارباب بودن
۳۰۵	
۳۰۷	شَكَرَ اللَّهُ شَعِيكَ
۳۰۸	شمر نباشد، شیت هست
۳۱۰	شیر پاک خورده
۳۱۳	
۳۱۵	صدا ت برسد کربلا
۳۱۶	صدای قاسم خوانی
۳۱۷	صدایش دلبری می کند

۳۱۹

ط

۳۲۱

طرح زهیر

۳۲۳

طوغ به پا شده؟

۳۲۵

ع

۳۲۷

عاش سعیداً و مات سعیداً

۳۲۸

عاق پیغمبر ﷺ

۳۳۰

عبادت به جز خدمت خلق نیست

۳۳۲

عقل اگر قدرت داشت عمر سعد را نجات می داد!

۳۳۳

علامه مجلسی ثانی (۱)

۳۳۵

عَلَمَ زمین نمی ماند

۳۳۷

علیکم بمجالس ورشکسته!

۳۳۸

علی ماند و حوضش

۳۴۰

عمر (سعد) در خواب ببند گندم ری

۳۴۳

ف

۳۴۵

غلام باش نه ارباب!

۳۴۷

ف

۳۴۹

فَقْرُوا إِلَى الْحُسَيْنِ

۳۵۱

ق

۳۵۳

قافیه رو ول کن، معنی رو بحسب

۳۵۴

قسم حضرت عباس را باور کنم یا دم خروس را؟

۳۵۵

قضای خواب شهدا

۳۵۷

ک

۳۵۹

کار ارباب را به فردا نینداز

۳۶۰

کار اساسی

۳۶۱

کار دستانم بده!

۳۶۲

کاسه گدایی

۳۶۳

کاسه لیس ارباب

۳۶۵

کیوتر ایا عبدالله

۳۶۶

کنیه اش هم ما را شفاعت می کند چه برسد به نوکرش

۳۶۷

کدام لشکر؟ کدام شام؟

۳۶۹

کربلا

۳۷۳

کربلا رفتنت بهانه بود، کربلا در میان خانه بود

۳۷۵

کربلا کربلا ما داریم می آییم

۳۷۶

کربلا نرفته

۳۷۷	کفش جفت کن بودن
۳۸۰	کفشداری
۳۸۱	كُلُّ الْخَيْرِ فِي بَابِ الْحُسَيْنِ (ع)
۳۸۳	کمک بی بی کن
۳۸۵	کوچه علی چپ
۳۸۶	کوچه وا کردن
۳۸۹	
۳۹۱	گاهی بای دیگ چیزهایی می دهند که پای منبر نمی دهند
۳۹۲	گر گدا کاهل بود تقصیر صاحبخانه چیست؟
۳۹۴	گر مرغ هزاریم و گر زاغ میاهیم...
۳۹۵	گریه بر هر درد بی درمان دواست
۳۹۷	گریه کن امام حسین است
۳۹۷	گوریانیم
۴۰۱	ل
۴۰۳	لله دَرْک
۴۰۷	م
۴۱۰	ما اهل کوفه هستیم، قبلاً خالی می بستیم!
۴۱۱	ما پلو هم بخوریم یا رقیق امون می خوریم
۴۱۱	ما را در خشاب چهل تاییت جا بده!
۴۱۱	ما را در نماز شبت فراموش مکن
۴۱۲	مادرم راضی نیست
۴۱۳	ما کجا؟ امام علی (ع) کجا؟
۴۱۵	مثل حرمله
۴۱۶	مثل مادر وهب
۴۱۷	مجاب شدن
۴۲۱	محض ریا، جهت اطلاع!
۴۲۲	مختار شدن خوشمزه نیست
۴۲۴	مرد گریه نمی کند جز زیر سیاهی بیرق امام حسین (ع)
۴۲۵	مرد هم گریه می کند
۴۲۵	مُسلم که امام نیست!
۴۲۸	مشغول خودسازی است
۴۲۹	مگر سرآوردی؟
۴۳۰	مگر پول ما سکه یزید است؟
۴۳۱	مگر پول های صدقات را دزد برده؟

- ۴۳۲ مگر سوغاتی مشهدت را جا گذاشتی؟
- ۴۳۲ مگر نماز شبت قضا شده؟!؟
- ۴۳۲ مگر هیئت هفتگیت تعطیل شده؟!؟
- ۴۳۲ ملانکه حاقین حرم
- ۴۳۳ من از بهر حسین در اضطرابم تو از عباس می گویی جوابم؟!؟
- ۴۳۴ من این جای تن و یک شهر دشمن
- ۴۳۵ مهمان حبیب خداست
- ۴۳۶ موکل آب فرات است
- ۴۳۶ می مخور منبر مسوزان مردم آزاری (هم) مکن
- ۴۳۹
- ۴۴۱ ناگهان چقدر زود دیر می شود
- ۴۴۱ نامه به خط کوفی نوشتن
- ۴۴۲ نان به نرخ روضه خوردن
- ۴۴۲ نان به نرخ کوفه خوردن
- ۴۴۳ نخودی در آش امام حسین علیه السلام انداختن
- ۴۴۴ نردبان روضه هم آدم را بالا می برد
- ۴۴۵ نعل اسب جناب حر هم نیستیم
- ۴۴۶ نعل شانس
- ۴۴۸ نمک غذایت را هم بخواه
- ۴۴۹ نمک گیر
- ۴۵۲ نوکری به خادمان امام حسین علیه السلام اضافه شد یا کنیزی؟
- ۴۵۳ نوکر به عرش هم برود باز نوکر است
- ۴۵۳ نوکریم!
- ۴۵۴ نوک زدن به هیئت ها
- ۴۵۵ نه کربلا نه چاووشی
- ۴۵۶ نیست بالاتر از سیاهی رنگ
- ۴۵۹
- ۴۶۱ و اما کربلا!
- ۴۶۲ وقت گل نی
- ۴۶۳ وگرنه من همان خاکم که هستم
- ۴۶۵
- ۴۶۷ هرثمه نباش!
- ۴۷۰ هر وقت پای علامت یکی سینه می زند
- ۴۷۰ هر که دارد هوس طبخ غذا بسم الله!

۴۷۲	هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله!
۴۷۳	هر که فهمش بیش اشکش بیشتر
۴۷۶	هر که کارش بیش اشکش بیشتر
۴۷۷	هر مداح ترکی سلیم اردبیلی نیست
۴۷۹	هر مداح فارسی اکبر ناظم نیست
۴۷۹	هر مشکى، مُشكى نیست
۴۸۰	هفت تکیه می روی؟
۴۸۰	هفت شهر عشق را «عباس» رفت
۴۸۱	هَلَا يَكُم
۴۸۱	هَلَا... هَلَا بِزَوَّار
۴۸۲	هَلْ مِنْ نَاصِرِي بَكُو...؟
۴۸۳	هم از گندم ری افتاد، هم از خرمای بصره
۴۸۴	هم اسب شمر را نعل می کند و هم مشک حضرت عباس را می دوزد
۴۸۵	هم طبّال یزید است و هم علم دار حسین (ع)
۴۸۶	هم نذر حسین (ع) است و هم شام شب بچه
۴۸۶	همه با هم بگند قشنگ میشه
۴۸۷	هَيْهَاتَ وَمَا الدِّلَّةُ
۴۸۹	ی
۴۹۱	یا الله
۴۹۲	یا حسین (ع)
۴۹۳	یار هفتاد و سوم
۴۹۳	یا علی (ع)
۴۹۷	ضرب سور: یا حلوا حلوا دهن شیرین می شود!
۴۹۹	پس از اصل مطلب: خب حالا که چی؟!
۵۰۰	وظیفه ما در قبال ضرب المثل ها چیست؟
۵۰۱	در باب وظایف پس از مطالعه «أَخْلَى مِنَ الْمَثَلِ»
۵۰۴	وظیفه شمایی که خواندی
۵۰۷	کتابنامه
۵۵۳	درباره پژوهشگر و مؤلف آثار عاشورایی
۵۵۶	حرف آخر

به جای مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با نگاهی به گفت‌وگوهای روزمره، اهمیت اصطلاحات و تعابیر و در اوجشان «ضرب‌المثل‌ها» بهتر فهمیده می‌شود؛ خصوصاً در مواردی که بهتر از یک استدلال عمل می‌کند و در محور سخن به عنوان یک دلیل محکم، جا خوش می‌کند و به اتکای خودش به یک رفتار مُهر تأیید می‌زند. به تعبیر استاد شهید مطهری «گاهی یک تک‌مصراع ضررش برای یک ملت صدمه‌بار از وبا و طاعون بیشتر است.»^۱ با مَثَل‌ها بیشترین اثر را در فرهنگ‌سازی می‌توان داشت که ما از آن غافلیم؛ وقتی برخی از استدلال‌های ما هم مبتنی بر یک مَثَل است.

ضرب‌المثل‌ها یک ظرفیت جریان‌ساز به حساب می‌آید. اینجا ظرفیتی برای تأثیر کلام دیده می‌شود که گاهی گزاره‌های متقن دینی

۱. تا اینجا که سخنوران یا آوردن آن‌ها در گفتار خود به صورت تضمین یا شاهد، به سخن خود کمال و جمال و تأثیر و جدیه می‌بخشند. (امثال و حکم دهخدا)
۲. سیره نبوی، ص ۱۸.

آن اثر را در سطح افکار عمومی ندارد. هرچند اولویت آن است که جامعه به سطحی از فرزانی برسد که برای سخنان به استناد آیات و روایات حکم کند، اما شاید یکی از اولیات رسیدن به آن اولویت، ورود از همین راه تأثیرپذیری یعنی ورود از مدخل تعبیر و اصطلاحات باشد تا به واسطه آن بتواند پای گزاره‌های متقن دینی را به میدان بکشد و به ظرفیتی همان معارف را در قالب ادبیاتی روان و قابل فهم برای مخاطب روز منتقل نماید.

بسیاری از مثل‌ها هستند که باید اصلاح شود و از سویی مثل‌هایی را هم باید تولید کرد. اینجا باید به تولید ادبیات دست زد. ادبیاتی که بتواند پیش فرض‌های معنوی و ارزشی را به پیکره اندیشه جامعه تزریق نماید. در اینجا از کربلا باید مدد گرفت که سرشار از عناصر جریان ساز و مولد فرهنگ است. غالباً مثل‌های این اثر، دو دسته‌اند: یا «سوغات» کربلا هستند و برخاسته از آن تربت اعلی است، یا به «زیارت» کربلا رفته‌اند و رنگ و بویی کربلایی گرفته‌اند. مثل‌ها وقتی به کربلا و وادی عاشورا وارد می‌شوند رنگ می‌گیرند و نورانی و خواستی می‌شوند... معارف بلند عاشورایی را در لباس این تعبیر و مثل‌ها بهتر می‌توان بر قامت فرهنگ و اندیشه پوشاند. چقدر یک تعبیر یا ضرب‌المثل می‌تواند جریان سازی کند!

۱. این اثری که در سطح عموم می‌خواهید بکنید، باید این باشد که دل‌ها با قرآن بیفتد و دل‌ها با قرآن بیفتد. قرآن می‌فرماید: «مَنْ يَتْلُ الْقُرْآنَ فَلْيُحْسِنْ تِلْكَ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّ يَرْحَمَهُ اللَّهُ وَيُخْرِجَهُ مِنْ ظُلُمَاتٍ إِلَى نُورٍ» (سوره آل‌عمران: ۷۶) «هر کس قرآن را بخواند، آن را با حسنیت بخواند، تا آیت‌های خداوند را بخواند و او را از تاریکی به نور درآورد». این دو بوجوه در مدرسه راجع به مسأله‌ای صحبت می‌شود. از قرآن مثال می‌آورند. فرض می‌فرمایند راجع به ارفق صحبت می‌شود: «فَتَلَذُّطُكَ مَثَلُ حِفْظِ الْوَلَدِ» (النساء: ۷۶) «شاهد آورده شود. اگر گفته شود مثلاً چرا مردم در بوسه می‌جفتند؟ مَثَلُ الْوَلَدِ بِقَاتِلِهِ بِالْمَثَلِ طَلَبُوا» (الحج: ۳۹) «شاهد قرآنی یافتند. یعنی کاری کنید که معاصی قرآنی در دهن‌های مردم سرریز شود. (دیدار رهبر معظم انقلاب با گروه مطالع الفجر قرآن سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳/۹/۱۴) برگرفته از کتاب حرفی برای تمام قلوب، ص ۸۷»

فرهنگ اصطلاحات، تعابیر و ضرب‌المثل‌های هیئتی-تشکیلاتی

هرکس کربلا را بخواند احساس می‌کند بزرگ می‌شود، قد می‌کشد و به بهترین معنا رشد می‌کند... با تفرج در این باغ پر جلوه، می‌توان به بار نشست و میوه داد. معارف عاشورایی ما چنین قدرتی دارد فقط باید از دل این معدن سرشار و زخار، استخراج نمود.

این اوراق تلاشی در این راستا است...

باشد که تعابیر، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های این اثر برای امر

فرج، مقدمه‌ساز شود...

«وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأُرْنِي فِي آلِ
مُحَمَّدٍ مَا يَهْتَمُّونَ وَفِي عُلُوِّهِمْ مَا يَخْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ»

سید علی اصغر علوی

شهر خدا- شب آفتابی قدر

بهار معنویت و طبیعت ۱۴۳۹-۱۳۹۷